

ساعاتی از صبح گذشته و هنوز خوابگاه سوت و کور است. انگار که وقت استراحت هیاهو و سر و صدا روی تخت های مرتب است. همه چیز سر جای خودش است؛ به جز کیف و ساک دستی هایی که از زیر بعضی تخت ها به بیرون سرک می کشد. وعده های غذایی صبحگاه و ساعت ۱۲ شب، خاموشی است. اینجا پادگان نیست؛ یک دبیرستان شبانه روزی دخترانه در ۵۵ کیلومتری جاده قدیم نیشابور است که قوانین خاصی هم دارد.

بچه ها از ۲۷ روستای دور و نزدیک به این مدرسه می آیند؛ معمولا آن هایی که روستاهایشان نزدیک است و خانواده هایشان دغدغه مالی ندارند، روزانه به خانه برمی گردند، اما ۵۰ درصد بچه ها به دلیل مسافت دور و هزینه زیاد سرویس رفت و برگشت، ۵ روز هفته را در خوابگاه می مانند و فقط آخر هفته ها به روستا برمی گردند. برخی خانواده ها به دلخواه فقط ماهی ۵۰ هزار تومان به مدرسه می پردازند؛ آن هم دانش آموزانی که خانواده هایشان توانایی مالی دارند. خیلی از بچه ها هم رایگان به این مدرسه می آیند و حتی پول توجیبی و هزینه سرویس رفت و برگشت برخی از آن ها توسط خیران یا مدیر و معلمان مدرسه تأمین می شود اما باز هم دانش آموزان زیادی هستند که به حمایت هایی از این دست نیاز دارند و ممکن است به دلیل مشکلات مالی مدتی به مدرسه نیایند.

افزایش تعداد دانش آموزان شبانه روزی

در کنار مدرسه، یک جاده نیمه ترانزیتی قرار دارد و به همین دلیل هر از گاهی صدای عبور ماشین های سنگین در گوش می پیچد. فاصله خوابگاه تا کلاس های درس بچه ها به اندازه چند قدم است. به گفته زهر شرف زاده، مدیر آموزشگاه کیمیای سعادت، در سال های اخیر تعداد دانش آموزانی که به این مدرسه شبانه روزی آمده اند، همواره و به افزایش بوده است. در حال حاضر ۱۳۸ دانش آموز در این دبیرستان درس می خوانند که ۵۵ نفر آن ها در خوابگاه ماندگارند. خانواده ها هم از مدارس شبانه روزی خیلی استقبال می کنند؛ دلپیش هم مشخص است؛ مدارس هزینه ای از خانواده ها دریافت نمی کنند اما نگرانی ما سرانه های کمی است که داریم و همچنان نیازمند حمایت خیران هستیم.

روی در هر اتاقی، روی یک برگه آچار، اسامی بچه هایی که در آن اتاق می خوابند به اضافه مسئولیت های هر روزه شان نوشته شده است. هیچ دانش آموزی در این مدرسه بدون مسئولیت نیست. ظرفیت تخت ها به تعداد تمام بچه هایی است که در خوابگاه می مانند. یک کمد آهنی گوشه اتاق است که هر کدام از بخش های آن ها مختص یکی از دانش آموزان است؛ کمدهایی که داخل آن لوازم شخصی مانند مسواک، حوله، تال، کتاب و... قرار دارد. سالن مطالعه، نماز خانه، حمام و سرویس بهداشتی نیز در خوابگاه هست.

سرپرست خوابگاه مثل مادر دوم

بچه ها هر روز، بعد از پایان کلاس های درس ناهار می خورند و تا عصر استراحت می کنند. بعد از آن هم می توانند مطالعه کنند تا وقت شام. البته بچه های کنکوری ممکن است بخواهند تا ساعت ۲ بامداد مطالعه کنند، که در این صورت سرپرست خوابگاه هم پایه پای آن ها بیدار می ماند. بچه ها سرپرست خوابگاه را مادر خودشان می دانند. صبح ها بیدارشان می کند و آن ها را راهی ساختمان کناری که همان مدرسه شان است، می کنند و تا ظهر در خوابگاه منتظر بچه ها می ماند. حواشش به همه نیازها و مشکلات دانش آموزان هست؛ حتی هوای دوا و درمان آن ها را دارد.

فاطمه ترنج، سرپرست خوابگاه، می گوید: باید

تلخ و شیرین های شبانه روزی

روایت شهرآرا از سختی ها و مشکلات دانش آموزان در ۲مدرسه شبانه روزی

بهزستی بسپاریم تا لایلا از تحصیل محروم نشود.

ازدواج در پایه دهم

آسیب دیگر در مدارس شبانه روزی از زبان مدیر مدرسه، ازدواج زودهنگام دختران است. شرف زاده می گوید: در پایه دهم، دختران مآهل بسیاری داریم. نکته اش هم این است که بعضی از این ازدواج ها ناموفق است و حتی ظرف ۲ هفته منجر به طلاق می شود. طبعاً این مسئله برای آن ها و دیگر دانش آموزان نیز تبعات خوبی ندارد اما تلاش کرده ایم آن ها از تحصیل محروم نشوند. مشکل دیگر ما نگرش برخی خانواده های روستایی است که نمی دانند باید برای یک دانش آموز کنکوری چه شرایطی را فراهم کنند؛ درواقع بیشتر سختی کار روی دوش معلمان است. به همین دلیل حتی دانش آموزانی که روستایشان نزدیک است، ترجیح می دهند در خوابگاه بمانند تا بتوانند بیشتر درس بخوانند.

تمام معلمانی که در این مدرسه تدریس می کنند، ساکن مشهدند و هر ماه حدود ۴۰۰ هزار تومان هزینه رفت و برگشت آن ها می شود؛ بدون اینکه سختی کار به آن ها تعلق بگیرد. شرف زاده می گوید: دبیرانی که به این مدرسه می آیند، معمولا کسانی هستند که سابقه خدمت کمی دارند و به آموزش و پرورش تعهد خدمت دارند. آن ها پیگیر این هستند که به شهر منتقل شوند. این موضوع موجب می شود دانش آموزان آسیب ببینند؛ زیرا نیازمند معلم با تجربه و مسلط هستند.

برافتخار ما بی امکانات

کمی تا زنگ تفریح دانش آموزان باقی مانده است. روی دیوار و تابلوهای مدرسه، نام و نشان دانش آموزانی که به هر طریقی برای مدرسه افتخار آفرینی کرده اند، نوشته شده است. مدیر مدرسه معتقد است این بچه ها با اینکه محروم اند، مستعد هستند. مصداق بارز آن هم تعداد قبولی بچه ها در دانشگاه های دولتی است. شرف زاده ادامه می دهد: در مقایسه با مدارس شهر، امکاناتی که باید در این مدرسه باشد، وجود ندارد؛ امکاناتی مثل کتابخانه های مرکزی. ما کتابخانه این مدرسه را تجهیز کردیم، اما به دلیل تغییر و تحولات نظام آموزشی، کتاب های قبل به نظام قدیم تبدیل شد و مجبور شدیم کتاب های جدید تهیه کنیم؛ البته باز هم به کتابخانه های موجود در شهر نمی رسد.

زنگ تفریح به صدا درمی آید و خیلی زود سروکله بچه ها با روپوش های سبوسه ای پیدا می شود. راهرو و بهله ها به یک باره از صدای خنده و هیاهوی بچه ها پر می شود. نکته جالب کلاس های مدرسه، این است که به صورت موضوعی طراحی شده است؛ یعنی نشانه هایی از ارتباط درس با در و دیوار کلاس می توان پیدا کرد. دیوارهای کلاس ادبیات، پر از شعر و نوشته های ادبی، دیوارهای کلاس زیست با پوسترهایی از آناتومی بدن ترین شده است و باقی کلاس ها نیز همین طور.

با چند نفر از دانش آموزان پایه دهم تا دوازدهم رشته های مختلف به خوابگاه می رویم تا حرف هایشان را بشنویم. از مدرسه تا روستای محل سکونت بعضی از آن ها مانند اوارک، رباط سفید، ملک آباد و... ۱۰ دقیقه بیشتر راه نیست. برخی دیگر از روستاهای محل سکونت مانند ده سرخ، رباط خاکستری و... دور است و یک ساعتی تا این روستاها راه است. اما تمام بچه ها معتقدند در مدرسه بهتر و بیشتر از خانه شان می توانند درس بخوانند؛ جدای از این در مدرسه هر لحظه بخواهند، هم سن و سالان خودشان حضور دارند که بتوانند با کمک آن ها مشکلات درسی شان را رفع کنند.

حرف الهه، سارا، عاتکه، مهلا، محبوبه، نسرين و... یک چیز است؛ آن قدر با دوستانشان صمیمی هستند و به آن ها وابسته شده اند که دل کنند از آن ها در آخر هفته هم برایشان سخت است. به قول خودشان، رقابت را فدای رفاقت نمی کنند. بعضی اوقات در «بین التعلیلین» هم مدرسه می مانند تا بیشتر درس بخوانند.

نسرين، سال آخر و کنکوری است. از روستایی نزدیک بینالود به این مدرسه می آید و حدود یک ربع در راه است. با حسرت می گوید: دوست داشتم در هنرستان ورشته تربیت بدنی درس بخوانم، اما در این منطقه هنرستان نداشتیم و رقتن به شهر هم ممکن نبود. امیدوارم دانشگاه در این رشته قبول بشوم.

مدرسه کپسول

برای رسیدن به مدرسه ام هانی که مدرسه شبانه روزی دیگری است، راهی روستای کارده می شویم. «مدرسه ما هم مانند خیلی از روستاهای اطراف سد کارده، گاز ندارد. اگر قرار باشد بخاری های مدرسه را ۲۴ ساعته روشن نگه داریم، اصلا جواب نمی دهد. به همین دلیل باید در مصرف گازوئیل صرفه جویی کنیم. گاهی گازوئیل ها آب دارد و مسئول فنی مدرسه دائم در حال تعمیر و تمیز کاری موتورخانه است. طبق گفته اشیز مدرسه، تقریباً ماهی ۱۵۰ تا ۱۶۰ کپسول برای پخت غذا استفاده می شود. البته کپسول گاز هم کم شده است.» این ها صحبت های معصومه حسن پور، معاون مدرسه است. او می گوید: اداره کردن مدرسه ام هانی راحت نیست. کسانی که اینجا کار می کنند نباید ساعت رفت و آمد و حقوقی که می گیرند، برایشان مهم باشد؛ ساده تر بگویم، باید عاشق تر از دیگران باشند.

خانم حسن پور ۲۷ سال سابقه خدمت دارد و ۵ سال آن را معاون یکی از بهترین مدارس در تبادکان بوده است. او می توانست سال های باقی مانده از خدمتش را هم در مشهد بگذراند، اما به قول خودش، دوست داشت آخر کارش به کار خیر ختم شود. به همین دلیل با علاقه

خودش، با به این مدرسه گذاشت. زنگ آخر مدرسه به صدا درمی آید و بچه ها خوشحال از نم بارانی که در حیاط مدرسه گسترده است، در حیاط پرسه می زنند و رنگین کمان ماه آخر پاییز را به هم نشان می دهند. کوله ها را روی سکوهای جلو خوابگاه می گذارند و با دمپایی های رنگارنگ، به ردیف صندلی های سلف را پر می کنند.

۴۰۰ دختر قدونقیق در این مدرسه شبانه روزی در دوره اول (هفتم، هشتم و نهم)، (دوره دوم بچه های انسانی دهم، یازدهم و دوازدهم) و هنرستان شامل رشته های حسابداری، کامپیوتر، طراحی دوخت و مدیریت خانواده درس می خوانند و از حدود ۱۵ روستای اطراف به این مدرسه می آیند. طبق گفته معاون مدرسه، شاید تعداد کسانی که روزانه به خانه شان برمی گردند، تنها ۱۰ نفر باشد و بقیه، هر روز هفته را در خوابگاه می مانند. تخت به تعداد تمام بچه ها هست. دانش آموزان هر کدام از پایه ها در یک خوابگاه حضور دارند. البته به دلیل زیادبودن تعداد دانش آموزان در خوابگاه پایه هفتم، دانش آموزان این پایه با کمبود فضا برای مطالعه مواجه هستند.

دانش آموزان این خوابگاه نیز باید مبالغی را برای هزینه سرویس ماهانه بپردازند. آن ها از روستاهای چشمه لیمون، سیج، خور، بلغور و... حتی از مشهد به این مدرسه می آیند و هر کدام برای رسیدن به خوابگاه باید یک ساعت یا بیشتر در راه باشند. هزینه سرویس مدرسه برخی دانش آموزان کم بضاعت نیز توسط خیران پرداخته می شود.

اداره مدرسه با سرانه آموزشی ممکن نیست

انگار قصه هزینه ها با زندگی این بچه ها گره خورده است؛ زیرا به گفته حسن پور، دانش آموزان مدرسه ام هانی نمی توانند به اردو بروند. به این دلیل که فاصله زیاد است و هزینه رفت و برگشت بچه ها زیاد می شود. به طور مثال یک بار سینما رفتن دانش آموزان ام هانی، ۴ میلیون تومان آب می خورد. او ادامه می دهد: تقریباً از بچه ها مبلغی دریافت نمی کنیم. اما امسال ۲۰۰ تا ۲۵۰ هزار تومان برای هزینه خوراک، پوشاک، لباس ورزشی، فرم و... تعیین کردیم که همین میزان اندک را هم تعداد کمی از والدین پرداختند. اگر کمک خیران نباشد، با سرانه آموزش و پرورش نمی توان این مدرسه را اداره کرد.

مشکلات تأمین هزینه فقط در خورد و خوراک و پوشاک خلاصه نمی شود؛ یکی دیگر از مشکلات تأمین هزینه های دارو و درمان دانش آموزان است. بچه های این مدرسه از عرق نماغ گرفته تا نیات، قرص و دارو را احتیاج دارند. با اینکه در هر خوابگاه انواع دم نوش موجود است، طبق گفته معاون مدرسه، باید یک مربی بهداشت به صورت دائم در مدرسه

حضور داشته باشد؛ مسئله ای که هنوز میسر نشده است. معلمان مدرسه ام هانی نیز مانند دبیرستان کیمیای سعادت، باید هزینه ماهیانه سرویس را خود تقبل کنند؛ یعنی هم باید سختی مسیر طولانی هر روزه را به جان بخرند، هم هزینه آن را از حقوق خود پرداخت کنند. هر ماه ۲۵۰ هزار تومان و بعضی از آن ها تا ۳۰۰ هزار تومان برای پول سرویس پرداخت می کنند، اما باز هم خم به ابرو نمی آورند و از نظر درسی چیزی برای بچه ها کم نمی گذارند.

دانش آموزان محروم از تحصیل

ریحانه، دانش آموز پایه نهم است که از مشهد به این مدرسه می آید و هر روز هم به خانه برمی گردد، اما به قول خودش، سطح مدارس شبانه روزی بالاست و به این دلیل عطای مدرسه روزانه را به لقایش بخشیده است. تعداد دیگری از بچه ها نیز که مانند ریحانه اهل مشهد هستند، اما در خوابگاه می مانند، حرف او را تصدیق می کنند. البته همان طور که تعدادی از بچه ها از مشهد به این مدرسه می آیند، هنوز تعدادی از بچه های روستایی از تحصیل محروم هستند. مریم درباره دوستش می گوید: در مدرسه تا کلاس ششم داشتیم. بعد از آن من به این مدرسه آمدم تا درسم را ادامه بدهم، اما دوستم به این دلیل که یکی از خواهرانش سه قلو به دنیا آورد و باید به او کمک می کرد، توانست ادامه تحصیل بدهد.

تعدادی از بچه های دیگر هم لب باز می کنند و می گویند که پدر و مادر خیلی از دانش آموزان راضی نمی شوند یا گاهی دختران را عروس می کنند و دیگر نمی توانند درس بخوانند.

هر دانش آموز، یک مسئولیت

با وجود مشکلات ریز و درشتی که معلمان و دانش آموزان در این مدرسه با آن مواجه هستند، همه دانش آموزان با میل و علاقه، کاری را قبول کرده اند. آن ها حرف خانم دوزنده، مدیر مدرسه، را آویزه گوش کرده اند که در آینده به عنوان یک مسئول متعهد، نباید آزمون و خطا داشته باشند؛ به همین دلیل بلافاصله بعد از ناهار تعدادی از بچه ها چار به دست می گیرند و حیاط مدرسه را تمیز می کنند، بعضی از بچه ها داخل کلاس ها و نیمکت ها را مرتب می کنند، آینه ها را برقی می اندازند و... خلاصه هر کدام مسئولیتی دارند.

به گفته حسن پور، بیشتر اهالی روستاهای اطراف ترک یا گرد زبان هستند و همین موضوع، برقراری ارتباط زبانی مسئولان مدرسه با پدرها و مادرها را سخت می کند. مشکل دیگر کودک همسری است؛ خانواده ها، دختران را زود عروس می کنند. در همین مدرسه دانش آموزی در کلاس هفتم درس می خواند و «شیرینی خورده» یکی از پسران اقوام است.

او ادامه می دهد: با همه این مشکلات، ماهی یک بار با خانواده ها جلسه داریم و باوجود دوری راه، باز هم جلسات

ما شلوع است و جای سوزن انداختن نیست.

۳۹۲ مدرسه شبانه روزی در استان

مدیر کل آموزش و پرورش خراسان رضوی می گوید: مجموع مدارس شبانه روزی خراسان رضوی ۳۹۲ مدرسه است که از این تعداد ۲۰۶ مدرسه پسرانه و ۱۸۶ مدرسه دخترانه است. از این میان، ۷۹ مدرسه نمونه دولتی شبانه روزی و ۳۱۳ مدرسه شبانه روزی عادی است.

قاسمعلی خداینده ادامه می دهد: تعداد دانش آموزان

شبانه روزی در خراسان رضوی شامل ۲۹ هزار و ۸۶۶ پسر و ۲۸ هزار و ۳۴۸ دختر است. ضمن اینکه از میان آن ها، ۲۴ هزار و ۲۴۹ دانش آموز خوابگاهی هستند.

وی اضافه می کند: خدماتی مانند سرانه غذایی، توزیع لوازم بهداشتی و... شامل حال مدارس شبانه روزی می شود. در دولت فعلی مبلغ سرانه ای که به این مدارس پرداخت می شد، افزایش یافته است.

وی درباره اینکه چرا سختی کار به معلمان مدارس شبانه روی تعلق نمی گیرد، می گوید: این موضوع کشوری است و به همین دلیل باید وزارت آموزش و پرورش در این باره پاسخ گو باشد.

شهرآرا

روزنامه شهرامید ورزشگی

SHAPARANEWS.IR

۷۰

↓

نقاشاننگ